

اندازه‌گیری عملکرد مدیریت روستایی در ایران براساس عوامل تأثیرگذار بر فرایند مدیریت در روستاهای ایران

حمید عبداللهیان^{۱*}، شیما شریعتی^۲، الهام شوشتری زاده^۳

۱- دانشیار گروه ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲- دانش آموخته رشته مدیریت دولتی، مرکز مدیریت دولتی، تهران، ایران.

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد فناوری اطلاعات، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

پذیرش: ۸۴/۶/۲۸

دریافت: ۸۴/۴/۱

چکیده

مطالعات معاونت تحقیقات اقتصادی و اجتماعی وزارت کشاورزی سابق نشان می‌دهد که ضعف مدیریت در روستاها بخصوص بعد از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۲ مشکلات آسیب‌شناختی متعددی در حوزه تولید کشاورزی و روابط اجتماعی روستاها به وجود آورده و نتایج خسارت باری برای روند توسعه در کشور و تولید کشاورزی در روستاها به بار آورده است [۱، صص ۸۲ و ۸۳]. به همین دلیل مقاله حاضر - نتیجه پژوهشی است که مؤسسه برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی آن را از نظر مالی تأمین کرده است - کوششی برای طراحی ابزار اندازه‌گیری (تبدیل متغیرهای اجتماعی-اقتصادی به عناصر ریاضی در فرمولهای عام) عملکرد مدیریت روستایی براساس نوع فعالیت اقتصادی روستا است؛ به نحوی که با به‌کارگیری ادواری آن بتوان نقاط ضعف مدیریت روستایی را شناسایی و متغیرهای مورد نیاز را برای اصلاح این نقاط به‌کار گرفت. برای طراحی این فرمولها ابتدا عوامل مؤثر در کاهش یا افزایش کارایی مدیریت در روستا به لحاظ نظری و با رویکردی جامعه‌شناختی - روانشناختی شناسایی و دسته‌بندی شده و به یک مدل تحلیلی تبدیل شده‌اند. این

رویکرد با مطالعه اکتشافی در مناطقی نظیر شه‌میرزاد، سرگست بندرعباس، نوار شمالی از نور تا رامسر، منطقه زرین دشت فیروزکوه و روستاهای منطقه شاهرود و منطقه کلاردشت مورد اعتبارسازی تجربی نیز قرار گرفته است. سپس این عناصر نظری به متغیرهای قابل اندازه‌گیری تبدیل و شاخص سازی معادل شده‌اند. خصلت اجرایی این مدل و فرمولهای آن این است که در فرایند کاربرد و با توجه به شاخصهای تغییر اجتماعی-سیاسی و اقتصادی و فرهنگی می‌توان عناصر آن را با شاخصهای جدید جایگزین کرد. به همین جهت این مدل و ابزار اندازه‌گیری آن خاصیت خود-اصلاحگر دارد و تابع زمان و یا مکان و حتی بعد جغرافیای کاربرد و یا نوع فعالیت اقتصادی روستا نمی‌باشد. از این رو این مدل پس از کاربرد آزمایشی سه تا پنج ساله و پس از اصلاح عناصر آن می‌تواند در هر مجموعه‌ای که با مؤلفه‌های روستایی همخوان باشد، به‌کار گرفته شود.

کلید واژه‌ها: عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روستاهای کشاورزی، گردشگری، دامداری و مبتنی بر تولید آبزیان دریایی.

۱- مقدمه

بحث اندازه‌گیری عملکرد مدیریت روستایی به منظور پاسخ به این پرسش ارائه می‌شود که آیا می‌توان یک مدل تحلیلی را طراحی کرد که ضمن به‌کارگیری عناصر نظری مدیریت روستایی به آنها قابلیت کاربردی در اندازه‌گیری سیاستگذاریهای مدیریتی ببخشد؟ قبل از ارائه بحثهای مربوط به مفهوم‌سازی نظری و چگونگی ساخت فرمولهای اندازه‌گیری عملکرد مدیریت روستایی لازم است تا به این مسأله اشاره شود که هم اکنون ضعفهای مدیریت روستایی از معضلات فرایند توسعه در روستاهای ایران به شمار می‌آیند [۱].

مقاله حاضر کوشش می‌کند تا با طراحی فرمول اندازه‌گیری عملکرد مدیریت روستایی، ابزاری را برای ارزیابی سیاستگذاریهای مدیریتی در روستاها فراهم کند که با کاربرد این ابزار بتوان اصلاح لازم را در حوزه ضعفهای نظام مدیریت روستایی ایجاد کرد. برای ساخت این ابزار از بحثهای نظری جامعه‌شناختی و از مدل تعامل سطوح ساختاری استفاده خواهد

شد تا متغیرهای اصلی برای طراحی مدل مدیریتی شناسایی شوند [۲]. سپس این عوامل به شکل عناصری که قابلیت وزن پذیری دارند در فرمولهای ریاضی مربوط به اندازه‌گیری گنجانیده خواهند شد. ذکر این نکته ضروری است که می‌توان عوامل دیگری را نیز در طراحی فرمولها وارد کرد که ممکن است در این مقاله نیامده باشد. اما به همین دلیل فرمولهایی که در این مقاله ارائه می‌شوند این امتیاز را دارند که به فراخور سطح مدیریت (خرد، میانه و کلان) و نوع فعالیت روستا خود- اصلاح‌گرند و همواره می‌توان عناصر آنها را تغییر داد. فرایند اصلاح فرمولها تا آنجا می‌تواند ادامه یابد که مدل مطلوب ریاضی برای اندازه‌گیری عملکرد مدیریت روستایی به دست آید.

۲- طرح مسأله

اندازه‌گیری عملکرد مدیریت روستاها باید با توجه به عوامل اجتماعی و عوامل تولید انجام شود؛ زیرا این دو دسته از عوامل شکل‌دهنده به ساختار مدیریت روستایی می‌باشند. اما از آنجا که در روستاهای ایران، کار و زندگی اجتماعی آنچنان درهم آمیخته که عملاً نمی‌توان مرز مشخصی برای تفکیک فرایندهای اجتماعی و فرایندهای تولید قائل شد، عوامل تولید و عوامل اجتماعی به صورت تلفیقی در اینجا مورد مطالعه قرار گرفته‌اند [۳، صص ۱۹۳-۲۲۰؛ ۴؛ ۵]. باید متذکر شد با توجه به مطالعاتی که تاکنون در مورد نظام مدیریتی روستاها در ایران انجام شده، می‌توان گفت که مدیریت در معنای علمی آن و آنچنان که در کتب مدیریتی از آن یاد شده در روستاهای ایران اعمال نمی‌شود و آنچه وجود دارد نوعی مدیریت ناقص یا شبه مدیریت است که در آن تمامی جنبه‌ها و وظایف مدیریت اجرا نمی‌شود [۶؛ ۷]. اما همان‌گونه که گفته شد عوامل تأثیرگذار در مدیریت روستاها عوامل تولیدی - اجتماعی می‌باشند که به صورت تلفیقی در اینجا مورد نظر قرار می‌گیرند. با این وجود و برای سهولت کار مطالعه،

۱. این مدل در تبیین وضعیت توسعه نیافتگی ساختارهای کشاورزی به‌وسیله تیلور و به منظور تبیین مدل نظری روابط ترکیبی شیوه‌های تولیدی به‌کار گرفته شد که در اینجا تعامل سطوح ساختاری به‌جای آن به‌کار گرفته می‌شود و منظور قرار دادن کلیه عوامل اجتماعی- ساختاری در ساخت معادله ریاضی مدیریت روستایی است [۲]. بنابراین در اینجا هدف از ساخت مدل نظری شناخت عناصر ساختاری- اجتماعی و دخالت آنها در ساخت ابزار اندازه‌گیری مدیریت است و هدف از این مدل نظری تبیین امر اجتماعی- روستایی نیست.

این عوامل را به لحاظ انتزاعی به سه دسته عوامل سیاسی (شامل عوامل ساختاری، مدیریتی و عوامل دولتی)، عوامل اجتماعی- فرهنگی و عوامل اقتصادی به شرح زیر تقسیم‌بندی کرده‌ایم و لازم است ابتدا مروری بر جایگاه مفهومی- نظری و نتایج تجربی بخش کشاورزی در رابطه با این عوامل به شرح زیر انجام شود [۸؛ ۹]. دوفومیه نیز بخوبی روند توسعه را در کشورهای متعددی در قالب سیاستگذاریها و ارتباط آنها با عوامل گوناگون بر همین روش نقد کرده است [۱۰]. بنابراین باید توجه داشت که رویکرد مقاله در مرور این عوامل صرفاً مشروعیت نظری آنها نیست بلکه ارائه نتایج نبود یا کمبود این عوامل در بخش کشاورزی ایران نیز می‌باشد. این رویکرد دو لایه به عوامل مؤثر در مدیریت کمک می‌کند تا امر اندازه‌گیری صرفاً با توجه به عناصر انتزاعی- نظری انجام نشود بلکه عنصر تجربه نیز در محاسبات دخالت داده شود.

۳- شرح عوامل مؤثر در مکانیسم مدیریت

این عوامل به چهار دسته به شرح زیر قابل تفکیک می‌باشند.

۳-۱- عوامل سیاسی

به لحاظ مفهومی، عوامل سیاسی به تأثیر نظام قدرت در سطح محلی و ملی و آثار تصمیم‌سازی مدیریتی ناشی از آنها مربوط می‌شود و خود به عوامل زیر قابل تقسیم‌بندی می‌باشد. (۱) عوامل ساختاری سیاسی؛ (۲) عوامل اجتماعی- فرهنگی و تاریخی؛ (۳) عوامل اقتصادی؛ (۴) عوامل جغرافیایی. هرکدام از این عوامل با توجه به زیرمجموعه‌هایی که عاملیت آنها را شکل می‌دهند بر روند مدیریت تأثیر دارند که ابتدا مشروعیت نظری و نیز تجربه بخش کشاورزی ایران را در ارتباط با هر عامل به شرحی که می‌آید مرور می‌کنیم تا بعداً با وزندهی به آنها نشان داده شود که سهم هریک در موفقیت یا عدم موفقیت مدیریت روستا چه اندازه است.

۱. نگاه کنید به تجربه هند

۳-۱-۱- عوامل ساختاری سیاسی

این عوامل به الگومندیهای نهادی در سطح عام و کشوری مربوط می‌شوند که روستا را از قالب تکیه بر کنشهای مبتنی بر الگومندیهای محلی بیرون می‌آورند و به همین دلیل به این عوامل ساختاری می‌گویند، نظیر جهت‌گیریهای تولیدی-اجتماعی و اقتصادی ناشی از سیاستگذاریها [۱۰، ص ۱].

۳-۱-۱-۱- تمرکزگرایی در تصمیم و اجرا

علیرغم آنچه در قانون اساسی در خصوص شوراها به عنوان نهادهای مدیریتی موجود مطرح شده، اغلب نگرشهای تمرکزگرایانه در سیاستها و خط مشیهای دولت تأثیرگذارند [۱۱، صص ۷۵-۸۸]. به عنوان مثال شوراها قدرت لازم را برای اخذ تصمیم و اجرای آن ندارند و این در حالی است که شوراها در فرایندهای اجتماعی-اقتصادی روستاها فعالیت دارند. وابستگی مالی نهادهای (شوراهای) محلی به مرکز از یکسو و سیاستهای تمرکزگرایانه دولت مرکزی از سوی دیگر سبب شده تا شوراها به عنوان یک نهاد مدیریتی عملاً قدرت اتخاذ تصمیمات در حوزه روستا را نداشته باشند. به عنوان مثال در حوزه جذب سرمایه، شاکری و موسوی نقش دولت را در سرمایه‌گذاری (در بخش کشاورزی) حتی زمانی که سرمایه‌گذاری بخش خصوصی مطرح است، مهم قلمداد می‌کنند [۱۲، ص ۹۹]. این مسأله، مشکل ساختاری بی‌توجهی به فرایند رشد را از درون - که از اهداف شکلگیری شوراها بوده است - بهتر نشان می‌دهد [۱۱، صص ۷۵-۸۸].

۳-۱-۲- رابطه بهره‌کشی شهر از روستا در نتیجه تعامل سیاسی محلی

با توجه به مطالعاتی که تاکنون در برخی از روستاهای ایران انجام شده، پیرامونی‌شدن^۲ روستاها نسبت به بخشها و شهرها امری است که بر فرایند تلفیق قدرت و مدیریت به منظور

۱. رفیعی و زیبایی به مسأله ساختاری اندازه دولت و سرمایه‌گذاری در حوزه بهره‌وری نیروی کار کشاورزی می‌پردازند و آن را امری مثبت تلقی می‌کنند. با این وجود رویکرد مقاله حاضر از بعد کاهش ضرایب استقلال مدیریتی روستاها در نتیجه اندازه و دخالت دولت قابل توجه می‌باشد.

2. peripheralization

هماهنگ‌کردن امور مدیریتی محلی تأثیر گذاشته است [۱۳، صص ۳-۲۲؛ ۱۴، صص ۲۰۷-۲۳۵]؛ زیرا که رابطه شهر و روستا به نحوی است که شهر، منابع روستاها را در جهت رشد و توسعه خود به‌کار می‌گیرد و حتی نخبگان روستایی را به علت نامتقارن بودن جاذبه‌های شهر و روستا به سوی خود می‌کشاند [۱۴].^۱

۳-۱-۱-۳- اولویت‌های توسعه

برنامه‌ریزی‌های توسعه ظاهراً بر اولویت بخش کشاورزی و رشد کشاورزی تأکید می‌کنند ولی در عمل رشد صنعتی از رشد بیشتری برخوردار بوده است [۱۵]. بدیهی است الگوی رشد مبتنی بر صنعت امکانات انسانی و سرمایه‌ای کشور را به خود جذب می‌کند و غفلت از بخش کشاورزی را به طور نهادین در ساختار توسعه اقتصادی کشور بازتولید می‌کند. بنابراین، نقش مدیریت در این اولویت‌گذاریها یکی از شاخصه‌هایی است که باید مدنظر قرار گیرد.

۳-۲- عوامل مدیریتی

عوامل مدیریتی به نظام انتزاعی و تجربی که در روستا عمل سامان‌دادن به امور اجتماعی و تولیدی را به عهده دارد، مربوط است. بنابراین در این حوزه می‌توان عناصر مستقلی را به شرح زیر در بحث اندازه‌گیری وارد کرد:

۳-۲-۱- مدیریت تولید نابسامان

مدیریتی که در زمینه تولید در روستاهای کشور اعمال می‌شود، مدیریتی نیست که بر مبنای ضرورت‌های عینی و اصول علمی متکی باشد؛ همچنین مشاهده شده است که در روستاها هیچ‌گونه هماهنگی عام و کلانی در مورد تولید، توزیع و مصرف وجود ندارد و اغلب محصولات به وسیله واسطه‌ها و یا پراکندگی بسیار، بازاررسانی و به فروش می‌رسد. همین امر سبب کم‌شدن ارزش تجاری محصولات و افزایش ارزش معیشتی آنها شده است [۱۵].

۱. این مسأله را می‌توان با سالخوردگی جمعیت شاغل روستانشین دنبال کرد. به عنوان مثال رضانیان نشان می‌دهد که جمعیت شاغل بالای ۶۰ سال در بخش کشاورزی ۲۱/۱ درصد در مقایسه با ۳/۹ در بخش صنعت و ۵/۲ درصد در بخش خدمات است [۱۴، صص ۲۰۷-۲۳۵].

۳-۲-۲- ناکافی بودن افراد متخصص

به دلیل کمبود امکانات جذب‌کننده در روستاها در حال حاضر اکثر افراد تحصیلکرده روستایی به شهر مهاجرت می‌کنند [۱۶، صص ۱۷۰-۱۹۵]. از طرف دیگر افرادی که از بیرون برای هدایت امور روستا انتخاب می‌شوند، به دلیل عدم احساس وابستگی به مردم روستا درجه تعهد و احساس مسئولیت کافی را ندارند و این خود به عاملی تأثیرگذار بر ارزیابی مدیریت روستایی تبدیل شده است.

۳-۲-۳- نارسایی نظام کنترل

به دلیل ضعف نظام مدیریتی روستاها یک نظام کنترل و نظارت کارآمد (طبق مدل مورگان) [۷] برای پیگیری برنامه‌های عمرانی یا سایر برنامه‌های مربوط به روستا و به هدف‌رساندن آنها به صورت دقیق پیش‌بینی نشده است و به همین دلیل برنامه‌های عمرانی اغلب با مشکل بهره‌دهی و به ثمر رسیدن روبه‌رو می‌باشند [۱۵].

۳-۲-۴- مدیریت با ماهیت برونزا

یکی از مشکلات عمده اعمال مدیریت در روستاها تاکنون این بوده است که به دلیل کمبود افراد متخصص اغلب افرادی غیربومی وظایف مدیریتی را در روستا عهده‌دار می‌شوند یا اینکه به دلیل تمرکزگرایی دولت مرکزی و نارساییهای موجود در شوراها برای اخذ تصمیم به صورت مستقل تصمیم‌گیرها اغلب ماهیتی غیربومی داشته‌اند. نتیجه این فرایند آن بوده است که نگرش روستاییان به اینگونه تصمیمات اغلب منفی است؛ به نحوی که برنامه‌های منتج از این تصمیم‌گیرها را اغلب در حیطه منافع دولت مرکزی می‌دانند.

۳-۳- عوامل دولتی

عوامل دولتی به جنبه‌های رسمی اعمال قدرت و میزان حضور نهادها و یا نماینده‌های دولت در روستا مربوط می‌شود و این دسته از عوامل شامل تقسیماتی به شرح زیر است:

۳-۳-۱- مسأله امنیت و نبود آن

به دلیل مسائلی نظیر نامناسب بودن راههای ارتباطی و دور افتاده بودن برخی روستاها از بخش و یا مرکز، درجه امنیت بخصوص در حوزه اقتصاد در روستاها پایین آمده است. به همین دلیل سرمایه‌گذاران حاضر به سرمایه‌گذاری اقتصادی، تجاری در روستاها نمی‌باشند و همین امر به نوبه خود سبب ضعف روستاها در بخشهای مالی و تجاری شده است [۱۲]، صص ۸۹-۱۱۵].

۳-۳-۲- تداخل وظایف سازمانهای دولتی و وزارتخانه‌ها در روستاها

به نظر می‌رسد برای ایجاد هماهنگی میان فعالیتهای سازمانهای مختلف در روستا وجود یک نهاد مقتدر برای منسجم کردن فعالیتهای در جهت نیل به اهداف توسعه روستایی ضروری است. البته بنا به اصل ۱۰۳ قانون اساسی «استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند، در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها می‌باشند». اما عملاً شوراها توان متمرکز کردن فعالیتهای خود را ندارند. هم اینک بین بسیاری از وظایف شوراها و وظایف وزارت جهاد کشاورزی و شهرداریها و بخشداریهای محلی تداخل وجود داشته و هماهنگی لازم بین آنها وجود ندارد. به همین دلیل مسؤولیت‌پذیری و پاسخگو بودن در امور کشاورزی در بسیاری از موارد با ابهام انجام می‌شود.

۳-۳-۳- عدم هماهنگی و تبعیض میان سازمانهای محلی و مرکزی

در روستاهای ایران بنا به مطالعاتی که در چارچوب این طرح پژوهشی تاکنون در مناطقی نظیر شهمیرزاد، سرگست بندرعباس، نوار روستاهای نور تا رامسر، زرین دشت فیروزکوه، روستاهای شاهرود انجام شده، نوعی تبعیض و اعمال قدرت از سوی بخشها بر روستاها دیده می‌شود. به این ترتیب که بخشها و یا به طور کلی تقسیمات کشوری بزرگتر غالباً تمایل به اعمال قدرت در بخشهای کوچکتر به‌گونه‌ای دارند که فرایند توسعه به نفع و به مصلحت بخشهای بزرگ صورت پذیرد. البته در اصل ۱۰۱ قانون اساسی برای جلوگیری از تبعیض چنین گفته شده است: «به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استانها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها، شورای عالی استانها مرکب از

نمایندگان شوراهای استانها تشکیل می‌شود». اما مصاحبه‌های انجام شده در شه میرزاد و سرگست تأیید می‌کنند که رابطه بین روستاها و بخشهای کلان تقسیمات کشوری حتی با وجود این شوراها هنوز با مصالح روستاها هماهنگ نیست.

۳-۳-۴- کمبود ابزارها و سازوکارهای دولتی

برای پاسخگویی به احتیاجات مردم و ضرورت‌های اداری توسعه، مایه دیائو نشان می‌دهد که تجربه سنگال در این زمینه مثال مناسبی به نظر می‌آید [۱۷، ص ۲۵۷].

۳-۲-۵- حمایت ناکافی از افراد خلاق و نوآور از سوی دولت

در گونه‌ای از روستاها که مقاومت در برابر تغییر در آنها یک هنجار ذهنی- فرهنگی شده است.

۳-۴-۴- عوامل اجتماعی - فرهنگی و تاریخی

۳-۴-۱- پیشینه و تجارب تاریخی روستاییان

به علت سابقه ذهنی روستاییان از دوران ارباب- رعیتی و ناتوانی روستاییان در اعمال مالکیت روی زمینها، امروزه اغلب روستاییان کشور با یکی شدن اراضی مخالفت می‌کنند؛ زیرا که آن را به منزله سلب مالکیت و استقلال خود می‌دانند و این ذهنیت، سبب پایین آمدن میل به مشارکت خودآگاه در زمینه تولید نیز شده است. به همین دلیل است که در روستاها اغلب مشاع‌ها از نوع مشاع‌های خانوادگی است [۱۸]. این مسأله را دوفومیه نیز در سایر کشورها مورد مطالعه قرار داده تا راه حل مسأله کشاورزی را براساس شکلگیری مشاعها پیشنهاد کند [۱۰ و ۱۹].

۳-۴-۲- مقاومت در برابر تغییر و نوآوری

پایبندی به برخی مسائل زاید در امر تولید، توزیع و حتی در روابط اجتماعی سبب می‌شود که روستاییان با برخی از تغییرات تکنولوژیکی و یا مدیریتی مخالفت کنند و در برابر آنها مقاومت نمایند. نرخ مقاومت به همین دلیل شاخص مناسبی برای عملکرد مدیریت است.

۳-۴-۳- بی سوادی و نارساییهای آموزشی

به دلیل بیسوادی حدود ۳۰ درصد [۲۰] از روستاییان و عدم دسترسی روستاها به بسیاری از شیوه‌های جدید اطلاع‌رسانی غالباً اطلاعات به صورت شفاهی در روستاها پخش می‌شود که همین امر باعث می‌شود که سیستم اطلاع‌رسانی که یکی از عوامل تأثیرگذار بر مدیریت کارآمد است، مبتنی بر اطلاعات محلی باشد. نتیجه این فرایند، نبود آگاهی اجتماعی از مزایای فعالیتهای مشارکت‌جویانه بوده است و سبب کاهش ظرفیت مشارکت در روستاییان شده است.

۳-۴-۴- جامعه مطرود و سرکوب شده روستایی

مبایه دیانو نشان می‌دهد که دهقانان سنگالی تحت تأثیر شیوه‌های غیرمشارکتی حکومت اربابی (کار اجباری، بیگاری) به انزوا دچار شده‌اند [۱۷، ص ۲۵۸]؛ این امر همراه با: الف) مخدوش شدن روحیه و نظام همبستگی سنتی که عواقب آن انفرادی‌شدن تأمین احتیاجات و ابزارها، متلاشی شدن خانواده‌ها و مزارع بزرگ و مهاجرت روستاییان بوده و ب) زیر سؤال قرارگرفتن همبستگی اجتماعی و وظایف اجتماعی سنتی که در کشمکش بین گروه‌های مختلف اجتماعی، براساس طبقه، نوع جنس، سن یا غیره در گذشته امکان بروز می‌یافت و نقش تعدیل‌کنندگی را در کنشهای خشونت‌بار ایفا می‌کرد، انفعال روستاییانی را در ایران در پی‌داشته است که فرصت ابراز نیازها یا بیان نظرات خود را دربارہ مشکلاتی که مستقیماً به آنان ارتباط داشته، به طور تاریخی نیافته‌اند. چنین تجربه‌ای را در ادبیات دهقانی ایران نیز می‌توان یافت [۲۱، ۲۲، صص ۲۵۷-۲۸۴].

۳-۴-۵- مهاجرت به شهرها

درباره مهاجرت متون بسیاری موجود است و نیازی به تکرار مباحث آنها در اینجا نیست. تنها باید اضافه کرد که این فرایند همچنان ادامه دارد و کماکان از عوامل مؤثر بر فرایندهای مدیریتی میانه و کلان کشور می‌باشد.

۳-۵- عوامل اقتصادی و نتایج ساختاری

تأثیر عوامل اقتصادی بر روند مدیریت روستایی نیز از جنبه‌های مختلفی مد نظر است که در زیر به تعدادی از آنها اشاره می‌شود. این تأثیر را شارما در تجربه هند بخوبی نشان داده است [۲۳].

۳-۵-۱- عقب ماندگی اقتصادی روستایی

روستاها چه در سطح کلان روستا و چه در سطح معیشتی روستاییان، دچار نارساییها و ضعفهای مستمر اقتصادی بوده‌اند. شاخص متوسط درآمد و مقایسه آن بین شهر و روستا این ادعا را بهتر تأیید می‌کند. متوسط درآمد سالیانه یک خانوار روستایی در سال ۱۳۷۹ معادل ۱۳/۰۴۷/۴۱۱ ریال و متوسط درآمد یک خانوار شهری معادل ۲۲/۳۸۷/۷۲۵ ریال بوده‌است [۲۴]. آخرین آمار موجود مربوط به سال ۱۳۸۲ است که متوسط درآمد سالیانه خانوارهای شهری را ۳۹/۲۰۲/۴۲۷ ریال و متوسط درآمد سالیانه خانوارهای روستایی را ۲۴/۰۴۰/۴۲۱ ریال در نظر می‌گیرند [۲۵] (سایت مرکز آمار ایران، شهریور ۱۳۸۴) که اگرچه اندکی از تفاوت میان درآمدهای شهری و روستایی کاسته شده است با این وجود استمرار در این تفاوت چنان است که نشان‌دهنده میزان تفاوت میان شرایط اقتصادی خانوارهای روستایی و خانوارهای شهری است. زمانی این تفاوت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که بدانیم موقعیتهای شغلی و امکان دستیابی به رفاه در شهرها فراوانتر است، اگرچه هزینه‌ها در شهرها بالاتر از روستاهاست.

۳-۵-۲- رواج خرده‌مالکی و تعدد اراضی کشاورزی با مساحت‌های کوچک

طبق گزارش فائو^۱، ۹۶ درصد از بهره برداریها از نوع دهقانی است. بیان ملموستر آنکه مثلاً در روستاهای منطقه اراک متوسط تعداد قطعات زمین به نسبت هر خرده مالک ۱۵ است و معمولاً مساحت هر یک از آنها به ۲ هکتار می‌رسد [۱۸].^۲ خردشدن اراضی و تعدد مالکیتها و تعدد مالکان، یکی از عواملی است که سبب می‌شود نیاز اراضی کشاورزی به ابزارهای تولید بیشتر شود و با توجه به کمبود امکانات مالی، این تقاضا در سطح روستاها برآورده

1. FAO stands for food and agricultural organization

۲. نقل از ازکیا: مصاحبه حضوری

نمی‌شود. از سوی دیگر در اثر تأثیر دو عامل (۱) تعدد اراضی و تنوع غیر عقلایی کشت و؛ (۲) پراکندگی محصولات در اثر پراکندگی اراضی، سطح تولید در روستاها کاهش می‌یابد. خردشدن واحدهای کشاورزی آن‌طور که دوفومیه نشان می‌دهد اکنون به یک عامل اقتصادی و ساختاری در سطح میان و کلان کشورها تبدیل شده است [۱۰ و ۱۹].

۳-۵-۳- نبود تنوع شغلی

نبود تنوع شغلی و انعطاف‌پذیری اقتصاد کشاورزی در برابر ناکامیها و شکستها.

۳-۵-۴- تغییر کاربری روستاها

اخیراً بسیاری از روستاها تبدیل به خوابگاههای کارگران و تفرجگاههای شهرنشینان شده‌اند و کارکرد اقتصادی و سنتی خود را از دست داده‌اند.

۳-۵-۵- عوامل تکنولوژیکی

۳-۵-۵-۱- کمبود امکانات تکنولوژیک

۳-۵-۵-۲- بهره‌دهی ناچیز کار

به دلیل استفاده از روشهای ناکارآمد قدیمی در بسیاری از مراحل تولید و همچنین به دلیل کمبود کارخانه‌های فراوری محصولات در محل، بخش عمده‌ای از محصولات قبل از رسیدن به دست مصرف کننده به هدر می‌رود.

۳-۵-۶- روشهای نامناسب بازاریابی

در این حوزه نیز تجربه نشان می‌دهد که نبود یک واحد سازمان‌یافته در روستاها که بتواند محصولات را جمع‌آوری و به فروش برساند، سبب می‌شود تا اغلب فراورده‌های روستا یا به صورت سوغات و یا از طریق واسطه‌ها در بازارهای محلی به فروش برسند و یا بدون

۱. لازم به توضیح است که به دلیل وجود آب و هوای مناسب و بهره‌مندی اغلب روستاهای ایران از قابلیت گردشگری و نیز حاکم بودن بافت سنتی و تاریخی، دولت اجازه احداث کارخانه را در این مکانها، اغلب بسختی می‌دهد.

رعایت اصول بازگشت سرمایه از روستا خارج شوند. در نتیجه ارزش تجاری بخشی قابل ملاحظه‌ای از محصولات کشاورزی یا پایین است و یا به حساب نمی‌آید.

۳-۵-۷- نارسایی کمی و کیفی عملکرد تعاونیهای روستایی

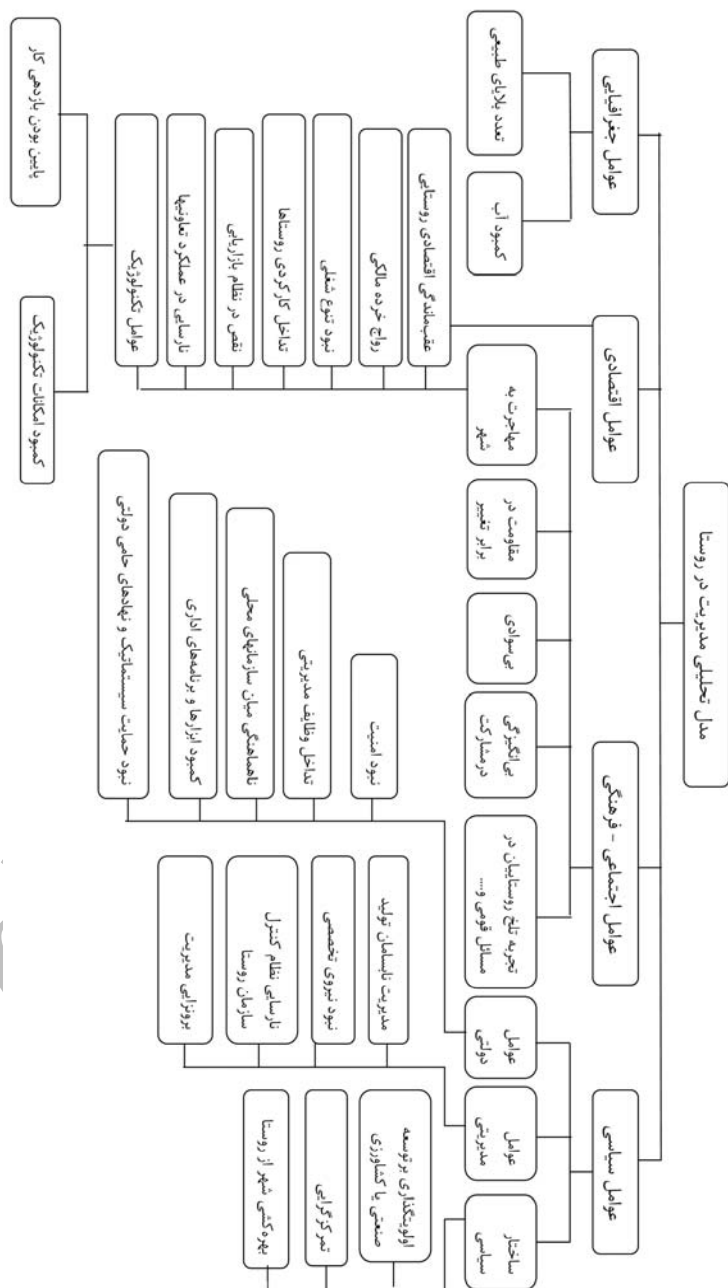
بنا بر دلایل ساختاری و در نتیجه برخورد با مشکلات اداری و اجتماعی، آن دسته از تعاونیهای روستایی که در جهت رفع نیازهای روستاییان بکوشند، بسیار کم شده‌اند. بعلاوه و به سخن دیگر، فعالیت اینگونه تعاونیها به دلیل نبود فرهنگ تعاونی در میان روستاییان، معمولاً تنها به تهیه کالاهای مصرفی روستاها از شهر خلاصه شده است.

۳-۶- عوامل جغرافیایی- طبیعی

به دلیل نوع فعالیتهای روستاها، عوامل جغرافیایی در میزان تولید و چگونگی آن بسیار مهم قلمداد می‌شوند. به همین دلیل مسائلی مانند میزان پایین حاصلخیزی زمینها یا کمبود آب و یا تکرار بلاهای طبیعی مثل سیل، زلزله و... می‌تواند مشکلات زیادی را بر سر راه تولید در روستاها ایجاد کند. البته تأثیر نظری و تجربی عامل جغرافیا را افرادی نظیر دوفومیه در سطح کلان و در مناطق مختلف جهان نشان داده‌اند، اما در اینجا در سطح خرد و محلی و در عامل سیاستگذاریهای محلی مدیریتی مورد توجه قرار گرفته است [۱۹].

با توجه به آنچه گفته شد یک مدل کارآمد مدیریتی در روستاها باید به گونه‌ای تنظیم شود که توانایی تأثیربر و یا تعدیل تأثیر این عوامل را بر مکانیسمهای مدیریتی در روستاها داشته باشد؛ زیرا که کاهش و تعدیل تأثیر این عوامل سبب ایجاد یک نظام مدیریتی مؤثر و مشارکتی می‌شود. مدلی که پیشنهاد می‌شود مدل مدیریتی مشارکتی- منطقه‌ای است که به طور خلاصه عبارت است از به‌کارگیری تلفیقی عوامل مدیریتی - سازمانی نوین و عوامل بومی در اجرای برنامه‌های توسعه روستا که نه تنها شرح آن در این مقاله نمی‌گنجد بلکه از هدف مقاله که فراهم کردن ابزار اندازه‌گیری عملکرد مدیریت روستایی است دور می‌باشد.

در مدل پیشنهادی شرح مفصل و گرافیکی از تأثیر و تأثر عوامل گوناگونی که ذکر آن گذشت، در عملکرد نظام ایدئال مدیریت روستایی در ایران بازگو شده است و براساس این مدل می‌توان چگونگی اندازه‌گیری این تأثیر و تأثرها مورد بحث و سنجش قرار داد (نمودار ۱).



عوامل تأثیرگذار بر روند مدیریت روستایی

۴- اندازه‌گیری عملکرد مدیریت روستا از طریق مدل تحلیلی مدیریت

در روستا: ساخت فرمول

همان‌طور که ملاحظه شد در مدل تحلیلی مدیریت در روستا به چهار دسته از عوامل نیاز است:

۱- عوامل سیاسی؛

۲- عوامل اجتماعی- فرهنگی؛

۳- عوامل اقتصادی؛

۴- عوامل جغرافیایی.

این عوامل به لحاظ انتزاعی بودن به خودی خود قابل اندازه‌گیری نیستند [۲۶]. برای رفع این مشکل در این روش اندازه‌گیری، برای هر کدام از این عوامل، وزن ۱۱۰۰ در نظر گرفته شده و عدد ۱۰۰ بین شاخصهای سازنده آنها توزیع شده است. نحوه اندازه‌گیری عملکرد مدیریت روستا از طریق تبدیل مدل تحلیلی مدیریت در روستا به مجموعه‌ای نمادین و ریاضی به روش زیر است: برای اندازه‌گیری عوامل سیاسی، سه دسته از شاخصها را مد نظر قرار می‌دهیم که عبارتند از شاخصهای مربوط به ساختار سیاسی، شاخصهای مربوط به عوامل مدیریتی و شاخصهای مربوط به عوامل دولتی. به میزان دخالت عوامل سیاسی در نظام مدیریت روستا ۱۰۰ نمره به طور قراردادی اختصاص داده‌ایم و آن را اینگونه تقسیم می‌کنیم که به هر کدام از شاخصهای سه گانه فوق، ۳۰ نمره تعلق گیرد و ۱۰ نمره باقی مانده را به عوامل و متغیرهای پیش‌بینی نشده واگذار می‌کنیم. این وظیفه مسئولان اندازه‌گیری است که چنین عواملی را شناسایی کنند و با در نظر گرفتن نحوه و میزان تأثیر آنها بر مدیریت تا سقف ۱۰ نمره را برای کلیه این عوامل در نظر بگیرند. به عوامل ساختار سیاسی ۳۰ نمره تعلق می‌گیرد که آن را بین سه شاخص سازنده آن، یعنی میزان اولویت‌گذاری نظام مدیریت بر الف- توسعه صنعتی یا کشاورزی؛ ب- تمرکزگرایی یا عدم تمرکزگرایی؛ د- تأثیر مدیریت در تنظیم رابطه شهر و روستا (استثمار یا غیر استثمار بودن) به نسبت مساوی تقسیم می‌کنیم. بنابراین به هر کدام از عوامل فوق، ۱۰ نمره تعلق می‌گیرد.

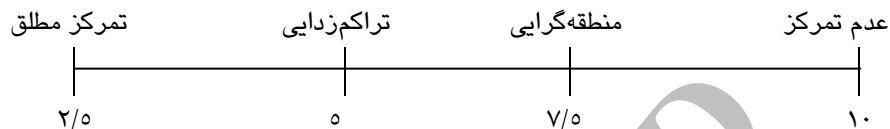
۱. لازم به ذکر است که نمره‌گذاری در این مرحله براساس دید کارشناسی و تجربی محققان انجام گرفته است. اما پس از اجرای مرحله آزمایشی پیشنهادی که در این مقاله ارائه شده است، می‌توان با بهره‌گیری از داده‌های حاصل از اجرای آزمایشی طرح از طریق تحلیل عامل یا تحلیل رگرسیون این نمره‌گذاری را در صورت لزوم اصلاح و تعدیل کرد.

توضیح آنکه، جهتگیری توسعه روستا می‌تواند یا مبتنی بر توسعه صنعتی و یا مبتنی بر توسعه کشاورزی باشد. از این جهت، در حوزه اولویتگذاری مدیریت روستا بر توسعه صنعت یا کشاورزی، پنج عامل بسترساز که نقش مدیریت را در آن آشکار می‌کند، باید در نظر گرفته شود که عبارتند از شرایط جغرافیایی- طبیعی منطقه، سطح زیر کشت محصولات، مساحت زمینهای مستعد کشاورزی، نوع محصولات کشاورزی و سرانجام شرایط اجتماعی منطقه. در این فرایند ممکن است دو حالت پیش بیاید: ۱) ممکن است اولویتگذاری بر توسعه صنعتی در منطقه قرار گرفته باشد؛ ۲) ممکن است اولویتگذاری بر مبنای توسعه کشاورزی تعیین شده باشد که در این صورت، نحوه امتیاز دادن به عوامل پنجگانه سازنده اولویتگذاری در هر کدام از این حالتها و به‌طور قراردادی به صورت جدول ۱ انجام خواهد شد.

جدول ۱ جدول اولویتگذاری بر توسعه صنعتی و توسعه کشاورزی

امتیاز	اولویتگذاری بر توسعه صنعتی	
	امتیاز	شرایط جغرافیایی منطقه
۲	الف- مساعد برای فعالیتهای کشاورزی	الف- مساعد برای فعالیتهای کشاورزی
۰/۵	ب- مساعد برای فعالیتهای صنعتی	ب- مساعد برای فعالیتهای صنعتی
۲	سطح زیر کشت محصولات	سطح زیر کشت محصولات
۱	الف- زیاد	الف- زیاد
۱	ب- کم	ب- کم
۲	مساحت زمینهای مستعد کشاورزی	مساحت زمینهای مستعد کشاورزی
۰/۵	الف- زیاد	الف- زیاد
۱	ب- متوسط	ب- متوسط
۰/۵	ج- کم	ج- کم
۰/۵	نوع محصولات کشاورزی	نوع محصولات کشاورزی
۲	الف- نیازمند فراوری	الف- نیازمند به فراوری
۰/۵	ب- بی نیاز به	ب- بی نیاز به فراوری
۲	شرایط اجتماعی فرهنگی منطقه	شرایط اجتماعی و فرهنگی منطقه
۰/۵	الف- مناسب و موافق کشاورزی	الف- مناسب و موافق صنعتی شدن
۰/۵	ب- نامناسب و مخالف کشاورزی	ب- نامناسب و مخالف صنعتی شدن

در مورد نقش مدیریت در تمرکزگرایی یا تمرکززدایی، تخصیص نمرات با استفاده از طیف نمرات و به شرح زیر انجام می‌شود:



اگر شیوه اداره روستا به‌طور مطلق متمرکز باشد، یعنی هم تصمیم‌گیری و هم اجرا به‌وسیله مقامات مرکزی و بیرونی صورت گیرد، کمترین نمره، یعنی ۲/۵ به این پارامتر تعلق می‌گیرد. چنانچه شیوه اداره روستا مبتنی بر تراکم‌زدایی یا عدم تمرکز اداری باشد به این معنا است که تصمیمات در مرکز و از سوی مقامات مرکزی (مدیریت خارج از روستا) اخذ می‌شود، اما اجرا و عملی‌کردن آنها به عهده مقامات محلی است. این روش مدیریتی دارای ۵ نمره است. در سومین حالت مدیریت روستا ممکن است از تمهیدات منطقه‌گرایانه استفاده کرده باشد. منظور از منطقه‌گرایی شیوه‌ای از رفتار مدیریتی است که در آن روستاها براساس شباهت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به گروه‌هایی همگن تقسیم می‌شوند و هر چند روستا که از نظر ویژگی‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی با هم همخوانی بیشتری دارند، در یک گروه به نام منطقه قرار می‌گیرند مثلاً روستاهای منطقه شاهرود، منطقه سمنان، منطقه لاهیجان و... در این حالت، تصمیمات به وسیله مسئولان مناطق گرفته می‌شود، اما مقامات روستایی آنها را اجرا می‌کنند. به این روش مدیریتی ۷/۵ نمره تخصیص داده می‌شود و در نهایت وضعیت عدم تمرکز قرار دارد که در این حالت هم تصمیمات در خود روستا و به‌وسیله مقامات روستایی گرفته می‌شوند و هم اجرای آنها به عهده خود روستاییان است. این شیوه اداره روستا، حداکثر نمره ممکن، یعنی ۱۰ نمره را به خود اختصاص می‌دهد.

برای اندازه‌گیری رابطه شهر و روستا از دو شاخص می‌توان استفاده کرد:

الف- میزان مهاجرت متخصصان روستا به شهر؛

ب- مالکیت عوامل تولید.

مدیریت زمانی موفق است که بتواند امکانات در دسترس خود را به‌نحوی ترکیب و تلفیق

کند که به هدف مطلوب خود دست یابد. بنابراین برای موفقیت‌آمیز بودن مدیریت روستا باید از خروج سرمایه‌های روستا (ثابت و یا متحرک) جلوگیری کرد. بر همین اساس یکی از شرطهای موفقیت مدیریت روستاها حفظ نیروی متخصص روستا و مالکیت عوامل تولید (سرمایه ثابت و سرمایه متحرک مثل پول) به وسیله خود روستاییان است. با این دیدگاه می‌توان رابطه میان شهر و روستا را به طور کلی به سه دسته تقسیم کرد:

۱- اگر میزان مهاجرت متخصصان از روستا به شهر زیاد باشد و همچنین مالکیت بخش عمده‌ای از عوامل تولید در روستا از آن افراد یا نهادهای غیربومی باشد، می‌توان نتیجه گرفت که رابطه بین شهر و روستا از نوع بهره‌کشی و استثماری است. این حالت دارای کمترین نمره ممکن، یعنی صفر می‌باشد.

۲- اگر میزان مهاجرت متخصصان روستا به شهرها زیاد باشد، اما مالکیت بخش عمده‌ای از عوامل تولید در روستا در دست افراد یا نهادهای بومی باشد، یا اینکه چنانچه میزان مهاجرت متخصصان روستا به شهرها کم باشد، اما مالکیت بخش عمده‌ای از عوامل تولید در روستا از آن افراد یا نهادهای غیربومی باشد، در این صورت رابطه نسبتاً استثماری بین شهر و روستا وجود دارد. چنین حالتی ۵ نمره تمرکزگرایی را به خود اختصاص می‌دهد.

۳- اگر میزان مهاجرت متخصصان روستا به شهرها کم باشد و مالکیت بخش عمده‌ای از عوامل تولید در روستا از آن افراد یا نهادهای بومی باشد، رابطه‌ای شهر و روستا غیر استثماری محسوب شده و به این جهت بیشترین نمره ممکن، یعنی ۱۰ را به خود اختصاص می‌دهد. نمره ۱۰ زمانی به مدیریت روستا داده می‌شود که یا نهاد مدیریت و یا شخصی به عنوان مدیر انجام وظیفه نماید. در روستاهایی که حاصلخیزی و تغییر کارکرد آنها سبب شده تا میزان درآمد روستاییان افزایش یابد و نرخ مهاجرت کاهش یابد، نقش مدیریت درونی- محلی عملاً صفر است.

با اینکه در این مدل سعی شده است عواملی را که در بحث نظری به آنها پرداخته شد، در پردازش فرمول و وزن‌گذاری وارد شود، اما این به آن معنا نیست که ماهیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی رابطه شهر و روستا نادیده گرفته شوند. شاخصهایی نظیر جریان و تبادل سرمایه نیز

۱. رابطه غیر استثماری را می‌توان با توجه به مقتضیات منطقه باز تعریف کرد و نمره‌گذاری را بر آن اساس انجام داد.

می‌باید اضافه می‌شد، اما این مدل باید ابتدا به‌طور آزمایشی به‌کار برده شود و در مرحله بعد این عوامل و احیاناً عوامل دیگری که در مدیریت روستا مؤثرند، به مدل افزوده شود. در اندازه‌گیری عوامل مدیریتی باید چهار عامل را مورد توجه قرار داد که به هر یک از آنها حداکثر ۷/۵ نمره تعلق می‌گیرد.

۱- عامل اول به میزان نابسامانی تولید مربوط می‌شود و خود تابع ۵ مؤلفه است. هریک از عناصر هر مؤلفه حداکثر ۱/۵ نمره دارند، به این ترتیب:

A ← روشهای تولید محصول مدرن یا سنتی

- به‌طور عمده مدرن ۱/۵
- سنتی و مدرن ۱
- به‌طور عمده سنتی ۰/۵

B ← میزان ضایعات محصولات

- کمتر از ۵٪ کل محصولات ← ۱/۵
- ۵٪-۱۰٪ کل محصولات ← ۱/۲
- ۱۰٪-۱۵٪ کل محصولات ← ۰/۹
- ۱۵٪-۲۰٪ کل محصولات ← ۰/۶
- ۲۰٪ کل محصولات به بالا ← ۰/۳

C ← میزان تولید محصولات^۱

- بسیار زیاد ← ۱/۵
- زیاد ← ۱/۲
- متوسط ← ۰/۹
- کم ← ۰/۶
- خیلی کم ← ۰/۳

۱. در این مورد با مسئولان اندازه‌گیری است تا مشخص کنند با توجه به امکانات روستا چه میزان از محصول مورد انتظار است و براساس آن میزان مورد انتظار، محصول واقعی را ارزیابی کنند.

D ← تدابیر اندیشیده شده از سوی مدیریت روستا برای مقابله و کاهش خسارتهای بلایای طبیعی. قابل ذکر است که نمره این پارامتر تنها زمانی به مدیریت روستا تعلق می‌گیرد که نهاد مدیریت روستا یا شخص مدیر روستا در آن تأثیر گذاشته باشد. چنانچه تدابیر و اعمال اندیشیده شده مربوط به نهادهای مدیریتی خارج از روستا باشد، از آنجا که ناشی از عملکرد مدیریت درونی روستا نیست، نمره‌ای هم به آن تعلق نمی‌گیرد.

پارامتر فوق را می‌توان ابتدا با ۲ شاخص نرخ مهاجرت از روستا پس از یک دوره ۵ ساله از حادثه طبیعی و نرخ بازتولید سرمایه بومی (سرمایه ثابت و متحرک) اندازه‌گیری کرد. بعدها می‌توان این شاخصها را با تجربه‌های به‌دست آمده تغییر داد.

نرخ مهاجرت در روستا پس از یک دوره ۵ ساله

۰/۷۵	٪۱۰-۰
۰/۵	٪۲۰-٪۱۰
۰/۲۵	٪۳۰-٪۲۰
۰	٪۳۰ به بالا

نرخ بازتولید سرمایه بومی

۰/۲۵	٪۳۰-۰
۰/۵	٪۶۰-٪۳۰
۰/۷۵	٪۶۰ به بالا

$$\times 100 = \frac{\text{سرمایه متغیر تولید پس از حادثه} + \text{سرمایه ثابت تولید پس از حادثه}}{\text{کل سرمایه ثابت و متغیر روستا}} = \text{نرخ باز تولید سرمایه بومی}$$

E ← قابلیت ایجاد تنوع در محصول: هرچه تمهیدات مدیریتی به شکل تنوع کشت انعکاس بیشتری یافته باشد، نمره بیشتری تا سقف ۱/۵ به‌دست خواهد آورد.

۱/۵	- زیاد
۱	- متوسط
۰/۵	- کم

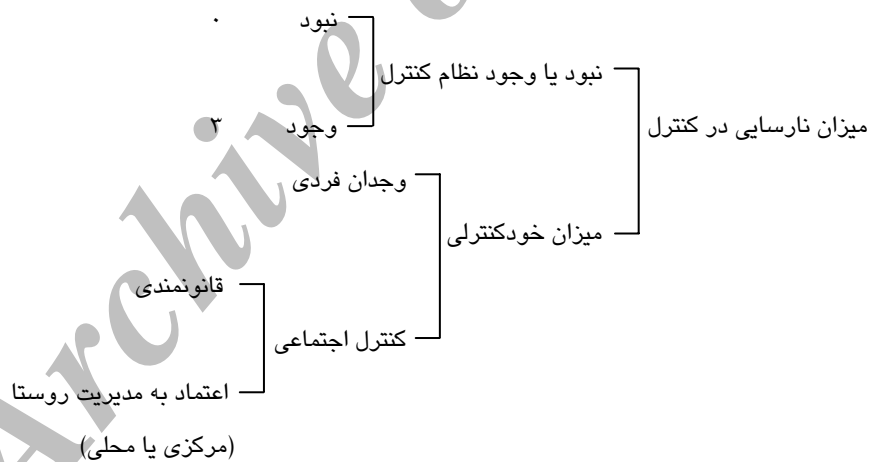
۲- برای اندازه‌گیری میزان نیروهای متخصص در روستا از فرمول زیر استفاده می‌شود:

۱/۵	→	۰-٪۵
۳	→	٪۵-٪۱۰
۴/۵	→	٪۱۰-٪۱۵
۶	→	٪۱۵-٪۲۰
۷/۵	→	٪۲۰ به بالا

$$\text{میزان نیروی متخصص در روستا} = \frac{\text{تعداد متخصصان مشغول کار در روستا}}{\text{جمعیت روستا}} \times ۱۰۰$$

۳- برای اندازه‌گیری میزان نارسایی در نظارت و کنترل می‌توان ۲ عامل نبود یا وجود

نظام کنترل و میزان خودکنترلی را در روستا مدنظر قرار داد. به این ترتیب که:



برای اندازه‌گیری میزان خودکنترلی در روستاییان می‌توان از آزمونهای خاص

اندازه‌گیری این عامل استفاده کرد. اگر میزان خودکنترلی زیاد باشد، ۴/۵ نمره، اگر متوسط

باشد، ۳ نمره و اگر کم باشد، ۱/۵ نمره برای این عامل در نظر گرفته می‌شود.

۴- برای اندازه‌گیری برونزایی یا درونزایی مدیریت می‌توان از دو فرمول زیر استفاده

کرد:

۰-٪۲۰	→	۱/۵
٪۲۰-٪۴۰	→	۲
٪۴۰-٪۶۰	→	۴/۵
٪۶۰-٪۸۰	→	۶
٪۸۰-٪۱۰۰	→	۷/۵

$$\frac{\text{تعداد مدیران بومی فعال در نهاد مدیریت روستا}}{\text{تعداد کل مدیران فعال در نهاد مدیریت روستا}} \times ۱۰۰ \text{ و یا } \frac{\text{تعداد مالکان بومی روستا}}{\text{تعداد کل مالکان روستا}}$$

برای اندازه‌گیری عوامل دولتی با پنج مؤلفه اصلی مواجه می‌باشیم که به هر یک از آنها شش نمره اختصاص داده می‌شود:

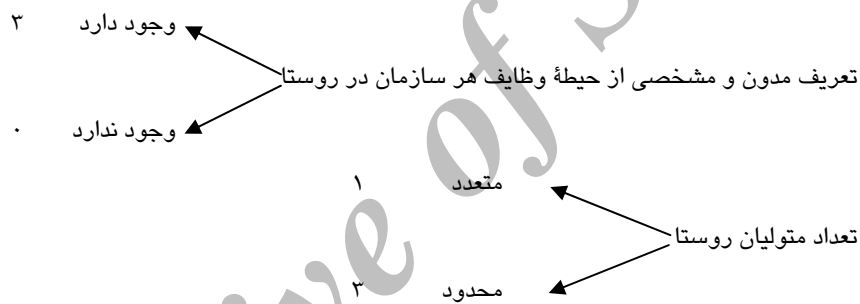
۱- میزان امنیت که تابعی از سه عامل احساس امنیت اجتماعی، وضعیت جغرافیایی و سیاسی منطقه و تعداد مراکز انتظامی است. در منطقه اجرایی مدیریت برای اندازه‌گیری احساس امنیت اجتماعی می‌توان از پرسشنامه و مصاحبه استفاده کرد تا مشخص شود کدامیک از سه عامل بالا در تعیین میزان امنیت منطقه مهمتر است؛ سپس می‌توان تعیین کرد که نمره صفر را به وضعیتی باید اختصاص داد که عناصر سه‌گانه پایین بودن سطح امنیت را تأیید می‌کنند (به عنوان مثال تعدد مراکز انتظامی، احساس امنیت ناچیز و منطقه جغرافیایی مرزی). بدیهی است در مرحله آزمایشی می‌توان از تخصیص نمره صفر به معنای احساس امنیت پایین و ۲ به معنای احساس امنیت بالا سود برد.

۲	احساس امنیت اجتماعی بالا
۱	احساس امنیت اجتماعی متوسط
۰	احساس امنیت اجتماعی پایین

برای تبیین وضعیت سیاسی و جغرافیایی منطقه، می‌توان از شاخصهایی نظیر آمار جرم در

آن منطقه سود برد. برای این کار، آمار جرم منطقه با متوسط آمار جرم در کشور مقایسه می‌شود. اگر آمار جرم در منطقه بیشتر از متوسط آمار جرم در کشور باشد، منطقه جرم خیز تلقی می‌شود و نمره صفر به آن تعلق می‌گیرد. اگر آمار جرم منطقه با متوسط کشوری تقریباً برابر باشد، ۱ نمره و اگر از متوسط کشوری کمتر باشد، ۲ نمره به آن تعلق می‌گیرد. همچنین در مورد تعداد مراکز انتظامی در منطقه نیز چنانچه تعداد مراکز به اعتقاد متخصصان متناسب با شرایط منطقه باشد، برای ارزیابی امنیت ۲ نمره و در غیر این صورت ۱ نمره تعلق می‌گیرد.

۲- میزان تداخل وظایف مدیریتی تابع ۲ مؤلفه است و تخصیص وزن به شرح زیر از صفر تا ۳ قابل تغییر است.



۳- میزان ناهماهنگی در تدوین اهداف توسعه عمرانی در روستای مورد نظر میان مراکز مدیریتی روستایی و مراکز مدیریتی واحدهای کلان اقتصادی- اجتماعی (مثل بخشداری). برای اندازه‌گیری میزان ناهماهنگی، می‌توان اهداف برنامه‌های تدوین شده در مراکز و در روستا را با هم مقایسه کرد. هر چقدر فاصله بیشتری میان این دو دسته اهداف مشاهده شود، به این معنا است که ناهماهنگی بیشتر است. بدیهی است روش اندازه‌گیری ناهماهنگی را باید به طور تجربی به دست آورد.

- ۰ ناهماهنگی زیاد
- ۳ ناهماهنگی نسبتاً کم
- ۶ هماهنگ

۴- میزان تطبیق برنامه‌های اداره روستا با برنامه‌های اجرا شده. منظور این است که روشن شود چه مقدار از امور روستا براساس برنامه‌ریزیهای قبلی و تدابیر معین اداره می‌شوند و چقدر از آنها بدون برنامه‌ریزی و پیش‌بینی قبلی اداره می‌شود.

۱/۵	میزان تطبیق برنامه‌ریزی با اجرای اهداف برنامه‌ریزی	۲۵-۰٪
۳	میزان تطبیق برنامه‌ریزی با اجرای اهداف برنامه‌ریزی	۲۵-۵۰٪
۴/۵	میزان تطبیق برنامه‌ریزی با اجرای اهداف برنامه‌ریزی	۵۰-۷۵٪
۶	میزان تطبیق برنامه‌ریزی با اجرای اهداف برنامه‌ریزی	۷۵-۱۰۰٪

۵- نبود یا وجود حمایت‌های سیستماتیک نهادهای دولتی. منظور از این عامل پاسخ به این پرسش است که آیا به طور اساسی یک چارچوب منظم و از قبل پیش‌بینی شده برای حمایت از روستا وجود دارد و آیا این نظام به مقتضای کارکرد حمایتی در اداره امور روستاهای کشور طراحی شده است یا خیر؟

۶ نمره	اگر وجود دارد
۰ نمره	اگر وجود ندارد

۲- برای اندازه‌گیری عوامل اجتماعی- فرهنگی نیز در مجموع ۱۰۰ امتیاز برای این عوامل در نظر گرفته می‌شود که آن را به نسبت مساوی بین عوامل زیر تقسیم می‌کنند:

- ۱- اختلافات قومی- قبیله‌ای؛
- ۲- انگیزه برای مشارکت؛
- ۳- میزان سواد؛
- ۴- جهتگیری در برابر تغییر؛
- ۵- مهاجرت به شهرها.

الف- اختلافات قومی- قبیله‌ای: این عامل، در فضای فرهنگی و اجتماعی روستا در تعیین

نوع و ماهیت روابط اجتماعی تولید و مدیریت در روستا بسیار تأثیرگذار است و اهمیت نظری آن در این است که در غالب روستاهای ایران به چشم می‌خورد. برای سنجش تأثیر این عامل، می‌توان در روستاهای چند قومی نگرش روستاییان را نسبت به افراد اقوام دیگر به وسیله پرسشنامه یا مصاحبه سنجش کرد. به‌طور مثال با شاخصی مانند میزان اعتماد در میان افرادی از قومیت‌های متفاوت و نسبت به یکدیگر و به وسیله پرسشنامه طیف بوگاردوس می‌توان درجه اعتماد اجتماعی را سنجید و به درصد و نمره تبدیل کرد.

نمره ۵	اعتماد	۰-۲۵٪
نمره ۱۰	اعتماد	۲۵-۵۰٪
نمره ۱۵	اعتماد	۵۰-۷۵٪
نمره ۲۰	اعتماد	۷۵-۱۰۰٪

ب) انگیزه برای مشارکت که خود تابع دو عامل اساسی است:

- ۱- احساس قدرت یا بی‌قدرتی؛
- ۲- تصور روستاییان نسبت به اثربخشی مشارکت که هر دو این عوامل را می‌توان از طریق پرسشنامه یا مصاحبه سنجش کرد.

۴-۱- روش نمره‌گذاری برای احساس قدرت یا بی‌قدرتی

برای اندازه‌گیری این عامل هم می‌توان از پرسشنامه و مصاحبه بهره گرفت و در آن صفت‌های زیر را باید مدنظر قرار داد.^۱

نمره ۱۰	احساس قدرت زیاد
نمره ۵	احساس قدرت متوسط
نمره ۰	احساس قدرت کم

۱. قابل ذکر است که برای اندازه‌گیری این عوامل می‌توان با نظر متخصصان حوزه مدیریت کشاورزی پرسشنامه‌های خاص مورد نیاز را طراحی کرد.

۲-۴- روش نمره‌گذاری برای تصور روستاییان از اثر بخشی مشارکت

- غالباً معتقدند: اثر بخش است. ۱۰ نمره
 دو گروه افراد معتقد به اثربخش بودن و نبودن مشارکت، برابرنند. ۵ نمره
 غالباً معتقدند: اثر بخش نیست. ۰ نمره

ج- میزان سواد و تحصیلات

۵	۲۵-۰٪	باسواد
۱۰	۵۰-۲۵٪	باسواد
۱۵	۷۵-۵۰٪	باسواد
۲۰	۱۰۰-۷۵٪	باسواد

$$\text{میزان افراد باسواد} = \frac{\text{جمعیت باسوادها}}{\text{کل جمعیت}} \times ۱۰۰$$

د- جهنگیری در برابر تغییر. این عامل را می‌توان با شاخصهایی مانند میزان استفاده از تراکتورها، کمباین‌ها و تکنیکهای جدید تولید و عرضه محصول اندازه‌گیری کرد. هر چه استفاده از ابزار و روشهای نوین تولید ورزش و سبکهای جدید زندگی بیشتر باشد، روستاییان دید مثبت بیشتری نسبت به تغییر دارند.

۳-۴- میزان استفاده از ابزار و شیوه‌های جدید در تولید

- ۲۰ بیش از متوسط کشور
 ۱۰ تقریباً برابر متوسط کشور
 ۰ کمتر از متوسط کشور

ه- نرخ مهاجرت به شهرها

۲۰	←	۵-۰٪
۱۵	←	۱۰-۵٪
۱۰	←	۱۵-۱۰٪

- ← ۱۵٪-۳۰٪
- ← ۳۰٪ به بالا

برای اندازه‌گیری عوامل اقتصادی در مجموع هفت عامل را به شرح زیر می‌توان در نظر گرفت. بر این مبنا می‌توان به هر یک از این عوامل ۱۴ نمره اختصاص داد و ۲ نمره هم برای عوامل پیش‌بینی نشده در نظر گرفت تا حداکثر نمره این عوامل به سقف قراردادی ۱۰۰ نمره برسد. این عوامل و نحوه نمره‌گذاری به آن به شرح زیر است:

- ۱- میزان عقب ماندگی یا توسعه اقتصاد روستایی: برای اندازه‌گیری این عامل باید سنجیده شود که تغییرات درآمد سرانه در یک دوره مالی در روستا تا چه حد ناشی از افزایش تولید محصول در همان دوره مالی و افزایش تولید محصول تا چه حد ناشی از عملکرد مدیریت داخلی روستا است. هر چه قدر این همبستگی بیشتر باشد، نمره عملکرد مدیریت به عدد ۱۴ نزدیکتر خواهد بود.
- ۲- میزان خرده مالکی

$$\frac{\text{ارزش پولی کل داراییهای خرده مالکی روستا}}{\text{ارزش پولی کل داراییهای روستا}} \times 100$$

سپس درصد به‌دست آمده به روش زیر تبدیل به معادل وزنی یا نمره‌ای می‌شود تا بتوان آن را در محاسبات نمره‌ای پایانی وارد کرد.

معادل وزنی یا نمره‌ای	درصد به‌دست آمده
۱۴	۰-۲۵٪
۱۰/۵	۲۵٪-۵۰٪
۷	۵۰٪-۷۵٪
۳/۵	۷۵٪-۱۰۰٪

- ۳- میزان تنوع شغلی و استمرار کارکردی روستاها: در روستاهایی که کارکرد کشاورزی دارند، هر چقدر سابقه زمانی این کارکرد در روستا بیشتر باشد، نمره بیشتری (تا

سقف ۱۴) به مدیریت تعلق می‌گیرد، اما در روستاهایی که کارکردهای غیر کشاورزی دارند، هر چه تنوع بیشتر باشد، نمره بیشتری (تا سقف ۱۴ نمره) به مدیریت تعلق می‌گیرد.

۴- تداخل کارکردی روستاها: اگر تداخل کارکردی در روستای مطالعه شده به حدی برسد که به عنوان یک عامل مخرب در مقابل فعالیتهای اصلی اقتصادی روستا عمل کند، از نمره مدیریت تا سقف ۱۴ نمره کاسته می‌شود.

۵- نحوه بازاریابی ← این شاخص برای پاسخ به این پرسش است که چند درصد از محصولات روستا به صورت تجمعی (تجاری) به وسیله یک نهاد ویژه به فروش می‌رسد؟ نحوه نمره‌گذاری به شرح زیر و براساس درصدهای به دست آمده است.

۲	←	۰-۲۵٪
۶	←	۲۵-۵۰٪
۱۰	←	۵۰-۷۵٪
۱۴	←	۷۵-۱۰۰٪

۶- وضعیت مدیریتی تعاونیها تابع سه عامل تعداد اعضا، میزان سرمایه و میزان دخالت تعاونیها در امور روستا است. هرچه تعداد اعضا بیشتر باشد، می‌توان تا حداکثر ۴ نمره به فعالیتهای مدیریتی روستا اختصاص داد. به دو عامل دیگر نیز هر کدام تا سقف ۵ نمره تعلق می‌گیرد؛ زیرا که به عقیده ما میزان سرمایه و میزان دخالت تعاونیها در امور روستا از تعداد اعضا با اهمیت‌تر است.

۱	روستاییان	۰-۲۵٪	تعداد اعضا
۲	"	۲۵-۵۰٪	
۳	"	۵۰-۷۵٪	
۴	"	۷۵-۱۰۰٪	

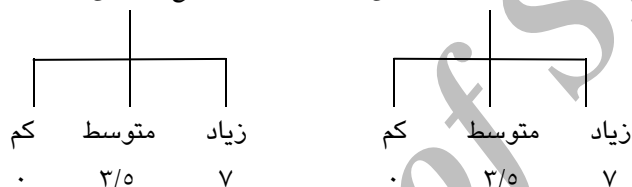
میزان سرمایه

زیاد	۵
متوسط	۲/۵
کم	۰

میزان دخالت تعاونیها در امور روستا

زیاد	۵
متوسط	۲/۵
کم	۰

۷- عوامل تکنولوژیکی تابع ۲ عامل امکانات تکنولوژیکی و سطح بازدهی کار است.



در نهایت برای اندازه‌گیری عوامل جغرافیایی باید به دو عامل میزان آب استحصال شده به‌وسیله مدیریت روستا و برخورد مدیریت روستا با بلایای طبیعی توجه کرد. لازم به ذکر است که می‌توان سایر عوامل طبیعی و نحوه برخورد مدیریت در به‌کارگیری این عوامل را جایگزین شاخصهای بالا کرد.

میزان آب استحصال شده به‌وسیله مدیریت روستا

۶۰	به اندازه مورد نیاز برای تولید
۳۰	کمتر از میزان
۰	بسیار کمتر

در مورد برخورد با بلایای طبیعی هم مشابه روشی که قبلاً توضیح داده شده است، عمل

می‌شود.

نرخ مهاجرت در روستا پس از یک دوره ۵ ساله

۲۰	٪۱۰-۰
۱۵	٪۲۰-٪۱۰
۱۰	٪۳۰-٪۲۰
۵	٪۳۰ به بالا

نرخ بازتولید سرمایه بومی

۵	٪۲۵-۰
۱۰	٪۵۰-٪۲۵
۱۵	٪۷۵-٪۵۰
۲۰	٪۷۵ به بالا

۵- نحوه اندازه‌گیری مدیریت در روستا از طریق تفکیک کارکرد

مدیریت

همان‌طور که در مباحث گذشته اشاره شد، فعالیت‌های روستا را می‌توان به دو دسته عمده تقسیم‌بندی کرد: ۱- فعالیت‌های اقتصادی؛ ۲- فعالیت‌های اجتماعی. بنابراین تعریف نهاد مدیریتی در روستا دو نوع کارکرد پیدا می‌کند:

۱- کارکرد اقتصادی مدیریت که در واقع همان فرایند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف اقتصادی و براساس نظام ارزشی مورد قبول روستاییان صورت می‌گیرد [۵، ص ۶].

۲- کارکرد اجتماعی مدیریت [۵]. در اینجا اشاره به فرایند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است؛ یعنی فرایندی که برای دستیابی به اهداف اجتماعی و براساس نظام ارزشی مورد قبول سیستم روستایی طی می‌شود.

هدف ما از تفکیک کارکردهای مدیریت در بالا، تسهیل و دقت بیشتر در اندازه‌گیری

عملکرد مدیریت می‌باشد. از آنجا که ماهیت فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی با یکدیگر بسیار متفاوتند، بنابراین در اندازه‌گیری این دو کارکرد باید به صورت مجزا عمل کرد. در زیر نحوه اندازه‌گیری عملکرد مدیریت در روستا براساس دو کارکرد ذکر شده ارزیابی می‌شود.

۵-۱- اندازه‌گیری کارکرد اقتصادی مدیریت روستایی

به منظور اندازه‌گیری کارکرد اقتصادی مدیریت در روستاها از شاخص بهره‌وری استفاده می‌شود. دلایل عمده استفاده از این شاخص به شرح ذیل می‌باشد:

۱- یکی از دلایل اندازه‌گیری عملکرد مدیریت در روستا، تعیین میزان بهینگی مدل مدیریتی پیشنهادی برای اعمال مدیریت در روستاها است که این امر مستلزم مقایسه روند عملکرد مدیریت روستاست. سنجش بهره‌وری امکان این اندازه‌گیری مقایسه‌ای را فراهم می‌سازد.

۲- به وسیله اندازه‌گیری بهره‌وری از طریق تقسیم ستاده به داده می‌توان نقاط ضعف و قوت سیستم را مطالعه کرد.

۳- بهره‌وری امکان مقایسه عملکرد اقتصادی مدیریت را در دو یا چند روستا فراهم می‌کند.

۴- اندازه‌گیری بهره‌وری از طریق تقسیم محصولات (خروجی) به منابع (ورودی) این مزیت را دارد که می‌توان به منظور افزایش بهره‌وری تا حد مطلوب، میزان و روش تخصیص منابع را به مناسبترین شکل انجام داد و تا حد ممکن از اتلاف منابع جلوگیری کرد.

روشهای مختلفی برای اندازه‌گیری بهره‌وری وجود دارد، اما از آنجا که هدف ما از اندازه‌گیری عملکرد اقتصادی مدیریت روستایی در سطح کلان کشوری است، استفاده از برخی از این روشها غیرممکن است؛ زیرا که نیازمند مطالعه بسیار جزئی و دقیق و ضریب دهی به عوامل تولید می‌باشد که این امر بسیار وقت‌گیر بوده و از نظر اقتصادی هم مقرون به صرفه نیست. به همین دلیل، به منظور اندازه‌گیری بهره‌وری از روش معمول نسبت ستاده (خروجی) به داده (ورودی) سیستم استفاده کرد؛ زیرا که این روش امکان رسیدن به اهداف تحقیقاتی طرح را نیز در برمی‌گیرد و تفسیر نتایج از این طریق عینی‌تر و عملی‌تر می‌باشد. به منظور اندازه‌گیری میزان بهره‌وری مدیریت اقتصادی در هر روستا ابتدا باید طبقه‌بندی

اقتصادی از روستاها ارائه شود، چون همان‌طور که می‌دانیم روستاهای ایران از نظر فعالیت اقتصادی مشابه نیستند و نمی‌توان فرمولی عام برای اندازه‌گیری میزان بهره‌وری (نسبت ستاده به داده) این روستاها در نظر گرفت. در زیر طبقه‌بندی روستاهای ایران از نظر فعالیت اقتصادی و نحوه اندازه‌گیری میزان بهره‌وری در هر یک از این روستاها ارائه شده است و لازم به ذکر است که این طبقه‌بندی قراردادی است.

۲-۵- اندازه‌گیری کارکرد اجتماعی مدیریت

به منظور اندازه‌گیری کارکرد اجتماعی مدیریت می‌توان به صورت عام (دربگیرنده کلیه روستاها) عمل کرد. به این منظور می‌توان از دو شاخص الف: مشارکت و ب: رفاه برای اندازه‌گیری کارکرد اجتماعی مدیریت استفاده کرد. البته می‌توان میزان این دو شاخص را در یکسال مالی سنجش کرد که با عملکرد اقتصادی مدیریت همسو و همچنین قابل مقایسه باشد.

۱- سنجش میزان مشارکت

مشارکت در یک روستا در یک سال مالی	۱- عامل مثبت در مشارکت →	$\times 100 \frac{\text{تعداد جمعیت عضو در نهادهای مشارکتی}}{\text{تعداد کل جمعیت روستا}}$
	۲- عامل منفی در مشارکت →	$\times 100 \frac{\text{مساحت زمینهای خرده مالکی در یک روستا}}{\text{مساحت کل زمینها در آن روستا}}$

در صورت مطالعه روندی و سالیانه از طریق مدل بالا می‌توان نتیجه را به مدیریت روستا ارائه داد تا با این اطلاعات سعی در افزایش مشارکت و از طرف دیگر سعی در کاهش عوامل منفی در مشارکت کند.

۲- رفاه اجتماعی: از آنجا که شاخص رفاه اجتماعی را به خودی خود نمی‌توان اندازه‌گیری کرد، برای اندازه‌گیری رفاه باید به اندازه‌گیری آثاری که رفاه اجتماعی دارد، پرداخت و برای این کار از سه متغیر: (۱) مهاجرت (۲) اشتغال (۳) میانگین درآمد سرانه هر خانوار روستایی استفاده کرد.

$$(۱) \text{ مهاجرت: } \frac{\text{تعداد مهاجران روستا در یکسال مالی}}{\text{کل جمعیت روستا در یک سال مالی}} \times ۱۰۰ = \text{درصد مهاجرت}$$

درصد مهاجرت را به صورت روندی در هر سال اندازه گیری می کنیم و سپس در یک دوره ۵ ساله مطالعه می کنیم تا مشاهده شود که تا چه اندازه نهاد مدیریتی توانسته متغیرهای جذب را در یک روستا افزایش داده و سبب کاهش مهاجرت بشود. روند نزولی مهاجرت بیانگر مدیریت موفق در روستا خواهد بود.

$$(۲) \text{ اشتغال: } \frac{\text{تعداد افراد شاغل در یک روستا در یک سال مالی}}{\text{کل جمعیت روستا در یک سال مالی}} \times ۱۰۰ = \text{درصد اشتغال}$$

یکی از آثار رفاه اجتماعی اشتغال می باشد و چنانچه در یک روستا اشتغال افزایش پیدا کرده و به صورت سالیانه روند افزایشی داشته باشد، البته به صورتی که نرخ افزایش جمعیت از نرخ افزایش اشتغال کمتر باشد، می توان نتیجه گرفت که مدیریت کارآمد و موفق بوده و رفاه افزایش یافته است.

(۳) میانگین درآمد سرانه هر خانوار روستایی

۶- طبقه بندی روستاها از لحاظ نوع فعالیت اقتصادی

در این قسمت روستاهای ایران را از نظر فعالیت اقتصادی به چهار دسته عمده می توان تقسیم بندی کرد:

- ۱- روستاهای کشاورزی: اگر در روستایی بیش از ۷۰٪ افراد شاغل در بخش کشاورزی مشغول به کار باشند، آنگاه روستا، روستایی است با ماهیت کشاورزی.
- ۲- روستاهای دامداری: اگر بیش از ۷۰٪ افراد شاغل در بخش دامداری مشغول به کار باشند، آنگاه روستا، روستایی است با ماهیت دامداری.
- ۳- روستاهای گردشگری: اگر بیش از ۷۰٪ افراد شاغل در بخش گردشگری مشغول به کار باشند، آنگاه روستا، روستایی است با ماهیت گردشگری.
- ۴- روستاهای متکی به صید دریایی: روستاهایی است که بیش از ۷۰٪ مشاغل اقتصادی در آنها مربوط به صید دریایی بوده و فراوری آن از اینگونه محصولات می باشد.

همان‌گونه که در بالا اشاره شد، این تقسیم‌بندی یک تقسیم‌بندی کلان است. بنابراین ممکن است روستاهایی باشند که از نظر اقتصادی ماهیت کشاورزی - دامداری داشته باشد و یا در مناطقی از کشور روستاهایی با ویژگی دامداری - گردشگری وجود داشته باشند. تشخیص نوع روستا از نظر فعالیت در چنین وضعیتی به عهده کارشناسان است و باید از طریق کارِ کارشناسی نوع روستا تعیین شود؛ یعنی مشخص شود که کارکرد اقتصادی مدیریت در روستا باید معطوف به کدامیک از فعالیتهای اقتصادی باشد و همچنین مشخص شود که روستای مورد نظر علاوه بر فعالیتهای تعیین شده استعداد رشد در چه زمینه‌های اقتصادی دیگری را دارد.

قبل از توضیح تفصیلی فرمول، لازم است ذکر شود که اندازه‌گیری بهره‌وری در روستاها از طریق اندازه‌گیری بهره‌وری خانوارهای روستایی صورت می‌گیرد؛ زیرا که خانوارهای روستایی، اساسی‌ترین و کوچکترین واحدهای تولیدی در روستاها می‌باشند و بنابراین تلاش نهاد مدیریت روستا باید بر افزایش سطح بهره‌وری و همچنین افزایش سطح رفاه اقتصادی این واحدهای تولیدی متمرکز باشد. از این رو، عملکرد نهاد مدیریت روستا باید در خانوارهای روستایی سنجیده شود.

۷- نحوه اندازه‌گیری بهره‌وری خانوارها در روستاهای کشاورزی

میزان بهره‌وری = میزان خروجی سیستم تقسیم بر ورودی سیستم

$$\text{Productivity} = \frac{\text{Output}}{\text{Input}} \quad \text{بهره‌وری} = \frac{\text{ستانده}}{\text{داده}}$$

بنابراین برای تعیین میزان بهره‌وری خانوارها در روستاهای کشاورزی ابتدا باید ورودی و خروجی را در سیستم اقتصادی خانوار روستایی تعیین کرد.

ورودی = هزینه‌های فراوری محصولات کشاورزی (P) + هزینه‌های تولید (C) + هزینه‌های پیش‌بینی نشده (T) + نیروی انسانی (L)

۱. از آنجا که در این فرمول قصد ما اندازه‌گیری منابع ورودی مربوط به دوره مالی مورد نظر می‌باشد. بنابراین از وارد کردن هزینه پرداخت شده برای خرید کالاهای (تکنولوژیها) سرمایه‌ای و منابعی که بیش از یک دوره مالی استفاده می‌شوند و مصرف بلند مدت دارند مانند (زمین/ آب) خودداری می‌شود. اما هزینه‌های انجام شده طی دوره مالی (مانند هزینه استهلاک تکنولوژی، فرسایش زمین و...) در زیر مجموعه هزینه‌های تولید محاسبه می‌شود.

به منظور هم واحد نمودن و قابل جمع کردن متغیرهای بالا، ارزش ریالی مجموع این متغیرها در یکسال مالی را در نظر می‌گیریم. به عنوان مثال میزان ارزش ریالی دستمزد کشاورزان در یکسال مالی تعیین کننده میزان نیروی انسانی در سطر داده‌هاست.

خروجی = محصولات تولید شده فراوری شده کشاورزی (G) + محصولات تولید شده در بخش کشاورزی (S)

از طرفی به منظور قابل تقسیم شدن کسر، خروجی سیستم را هم به صورت ارزش ریالی مجموع محصولات تولیدی در یکسال مالی در نظر می‌گیریم.

تعریف:

$P =$ مجموع ارزش ریالی

$i = 1, 2, 3, \dots, n$

$$R_1 = P(m_{a_1}) + P(m_{a_2})$$

$P(m_{a_1}) =$ میزان بهره‌وری خانوارهای روستایی در تولید محصولات کشاورزی (خام)

$P(m_{a_2}) =$ میزان بهره‌وری خانوارهای روستایی در تولید محصولات کشاورزی فراوری شده

$$P(m_{a_1}) = \frac{\sum_{i=1}^n PS_i}{\sum_{i=1}^m (PL_i + PC_i + PT_i)}$$

$$P(m_{a_2}) = \frac{\sum_{i=1}^n PG_i}{\sum_{i=1}^m (PL_i + PC_i + PT_i + PP_i)}$$

۸- نحوه اندازه‌گیری بهره‌وری خانوارها در روستاهای دامداری

ورودی = هزینه‌های فراوری محصولات دامی + هزینه‌های پیش‌بینی نشده + هزینه‌های تولید
 + هزینه‌های نگهداری دام + نیروی انسانی
 خروجی = محصولات دامی فراوری نشده + محصولات دامی فراوری شده

$$R_2 = P(m_{d1}) + P(m_{d2})$$

$$P(m_{d1}) = \frac{\sum_{i=1}^n PS_i}{\sum_{i=1}^m (PL_i + PC_i + PT_i + PD_i)}$$

$$P(m_{d2}) = \frac{\sum_{i=1}^n PG_i}{\sum_{i=1}^m (PL_i + PC_i + PD_i + PT_i + PP_i)}$$

۹- نحوه اندازه‌گیری بهره‌وری خانوارها در روستاهای گردشگری

ورودی
 هزینه = C (Cost) → مجموع ارزش ریالی کلیه هزینه‌هایی که به منظور جذب توریست و ارائه کالاها و خدمات به توریست انجام شده است (در یکسال مالی) مانند: ویلا، فضای سبز، وسایل رفاهی و
 خروجی
 درآمد = I (income) → درآمد به دست آمده در نتیجه ورود توریست و در یک سال مالی

$$R_3 = P(m_{t1}) = \frac{\sum_{i=1}^n PI_i}{\sum_{i=1}^m PC_i}$$

۱۰- نحوه اندازه‌گیری بهره‌وری خانوارها در روستاهایی با بنیانهای اقتصادی صید دریایی

ورودی = هزینه‌های فراوری محصولات تولید شده + هزینه‌های پیش‌بینی نشده + هزینه‌های تولید + نیروی انسانی

خروجی = محصولات تولید شده فراوری شده + محصولات تولید شده فراوری نشده

$$R_4 = P(m_{f1}) + P(m_{f2})$$

$$P(m_{f1}) = \frac{\sum_{i=1}^n PS_i}{\sum_{i=1}^m (PL_i + PC_i + PT_i)}$$

$$P(m_{f2}) = \frac{\sum_{i=1}^n PG_i}{\sum_{i=1}^m (PL_i + PC_i + PT_i + PP_i)}$$

باید متذکر شد از آنجا که فعالیتهای صنایع دستی در ساختار اقتصادی کشور حایز اهمیتند، نمی‌توان آنها را در محاسبات بهره‌وری نادیده گرفت. بنابراین در روستاهایی که بیش از ۲۰٪ جمعیت در این بخش فعالند، علاوه بر محاسبه بهره‌وری براساس کارکرد عمده اقتصادی روستا، بهره‌وری این بخش را نیز از طریق فرمولی که در زیر ارائه می‌شود، اندازه‌گیری می‌کنیم و پس از گذشت دوره آزمایشی مجدداً اندازه‌گیری را تکرار می‌کنیم. با مقایسه نتایج این دو اندازه‌گیری موفقیت یا عدم موفقیت مدل مدیریتی پیشنهادی مشخص می‌شود.

$$R_5 = P(m_{i1}) = \frac{\sum_{i=1}^n PI_i}{\sum_{i=1}^m PC_i}$$

I = درآمد حاصل از فعالیتهای مربوط به صنایع دستی در یکسال مالی

C = هزینه‌های انجام شده در امر تولید صنایع دستی در یک سال مالی

۱۱- مراحل اجرای فرمول به صورت آزمایشی

۱- در مرحله اول و در هر یک از چهار منطقه جغرافیایی کشور (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) و از هر دسته از روستاهای کشاورزی، دامداری، شیلات و گردشگری، ۲ روستا به عنوان نمونه و به صورت تصادفی انتخاب می‌شود.

۲- در هر روستا باید چند خانوار را به صورت زیر به عنوان نمونه انتخاب کرد:

الف) اگر جمعیت روستا تا ۲۰ خانوار بود، ۶ خانوار به نحوی انتخاب می‌شود که برحسب وضعیت اقتصادی خانوارها از طبقه پردرآمد روستا ۲ خانوار، از طبقه متوسط ۲ خانوار و طبقه کم درآمد ۲ خانوار، نمونه را تشکیل دهند. برای تعیین خانوارهای کم درآمد، متوسط درآمد یا پردرآمد می‌توان از تفاوت میانگین درآمد سالیانه که در صفحه ۶ ذکر شده به همراه متوسط هزینه‌های سالیانه خانوار که قابل دسترسی در سایت مرکز آمار ایران است، سود جست. بر این اساس خانوارهای کم‌درآمد شامل خانوارهایی است که میانگین درآمد آنان مساوی یا کمتر از متوسط هزینه‌های سالیانه آنان می‌باشد. خانوارهای با درآمد متوسط را می‌توان به‌طور قراردادی شامل خانوارهایی در نظر گرفت که درآمد سالیانه آنان $1/5$ برابر بیشتر از متوسط هزینه‌های سالیانه آنان است و بالاخره خانوارهای پر درآمد را می‌توان خانوارهایی در نظر گرفت که متوسط درآمد سالیانه آنان $1/5$ برابر یا بیشتر از متوسط هزینه‌های سالیانه آنان است.

ب) اگر جمعیت روستا بیش از ۲۰ خانوار بود، از هرکدام طبقات اقتصادی سه گانه مذکور، سه خانوار انتخاب می‌شود تا در نهایت ۹ خانوار، نمونه را تشکیل دهند.

- علت انتخاب نمونه به صورت فوق، این است که از منحصر شدن مزایا یا معایب مدل مدیریتی پیشنهادی یا مدل‌های موجود در یک طبقه اقتصادی خاص کشور و سوگیری نتایج مدیریت جلوگیری شود و فرمول قابلیت مقایسه میان اقشار مختلف اجتماعی روستا را داشته باشد.

۳- در سومین قدم، پیش از اجرای هر مدل مدیریتی، عملکرد اقتصادی خانوارها باید در دوره اخیر مالی با استفاده از فرمول اندازه‌گیری شود. از آنجا که در سالهای اخیر، تغییر عمده و مهمی در ساختار روستاهای ما ایجاد نشده است، اندازه‌گیری عملکرد اقتصادی خانوارهای روستایی تنها در دوره مالی اخیر کفایت می‌کند. بعد از اندازه‌گیری و ثبت نتایج

آن، مدل مدیریتی پیشنهادی را در روستا اجرا کرده و پس از گذشت یک دوره سه ساله مجدداً عمل اندازه‌گیری عملکرد اقتصادی خانوارهای قبلی را تکرار می‌کنیم. پیشنهاد یک دوره سه ساله، به این دلیل است که مدل پیشنهادی زمان لازم برای اثرگذاری در روستا را در اختیار داشته باشد و از سوی دیگر دوره طولانی مدتی هم نباشد که مجریان طرح و اهالی روستا را از احساس نتایج طرح به صورت ملموس نا امید کند. نتایج دومین اندازه‌گیری را با نتایج اولین اندازه‌گیری مقایسه می‌کنیم تا آثار مدل پیشنهادی را در وضعیت اقتصادی طبقات مختلف روستاهای گوناگون مشاهده کنیم.

نکته مهمی که باید متذکر شد این است که اندازه‌گیری عملکرد اجتماعی مدیریت روستا باید در همان روستاهایی انجام گیرد که عملکرد اقتصادی مدیریت در آنها اندازه‌گیری شده است. فاصله زمانی میان اندازه‌گیری اول و دومین اندازه‌گیری نیز همانند اندازه‌گیری عملکرد اقتصادی مدیریت، یک دوره سه ساله را در بر می‌گیرد.

۱۲- نتیجه‌گیری

فرض به‌کارگیری مدیریت در روستا آن است که روستاها دارای ساختارهای سنتی‌اند و تغییر در آنها با تجربه گذشته سیاستهای توسعه نتایج مطلوبی به‌دست نمی‌دهد و لذا پرسش این است که با چه شیوه‌هایی می‌توان این تغییرات را ایجاد کرد که هم دقت در آن زیاد باشد و هم آسیبهای تجارب گذشته را نداشته باشد. آنچه از فرایند مدلسازی نظری مدیریت روستایی و ساخت فرمول اندازه‌گیری عملکرد مدیریت روستایی حاصل می‌شود آن است که ساختار سنتی مدیریت روستایی را می‌توان با مفهوم‌سازی عناصر این ساختار و کمی‌کردن آن به عرصه تغییر این ساختارها نزدیک کرد. امتیاز این شیوه برای ایجاد تغییر آن است که نهادهای مدیریت روستایی را با رویکردی تدریجی به تغییر می‌رساند. نکته دیگر آن است که به‌کارگیری این فرمولها این امتیاز را دارد که با گذر زمان می‌توان عناصر جدیدی را به فرایند اندازه‌گیری اضافه کرد و یا از آن کاست. از این جهت این شیوه از به‌کارگیری مدیریت که با اندازه‌گیری مداوم همراه است، حداقل در مرحله آزمایشی هم از امتیاز هزینه پایین برخوردار است و هم آنکه می‌توان با به‌کارگیری منطقه‌ای و یا محلی حوزه اجرایی آن را کم یا زیاد کرد تا فرمول مذکور پس از نشان‌دادن کفایت‌های تجربی خود بتواند در سطح ملی و عامتری به‌کار رود.

۱۳- منابع

- [۱] وزارت کشاورزی؛ مشکلات و تنگناهای بخش کشاورزی و راه حلها؛ معاونت تحقیقات اقتصادی و اجتماعی، مؤسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و پشتیبانی، ۱۳۷۶.
- [2] Taylor J.G.; From modernization to modes of production: A critique of the sociology of development and underdevelopment; Atlantic Highlands: Humanities Press, 1979.
- [۳] شادی طلب ژ؛ «ابعاد اجتماعی مدیریت جنگل»؛ فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ش. ۳۷، بهار ۱۳۸۱.
- [۴] طالب م؛ مدیریت روستایی در ایران؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- [۵] رضاییان ع؛ اصول مدیریت؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۸.
- [۶] پورکلانتری ط؛ خلاصه نظریه‌های مدیریت؛ از کتاب هـ.ج. هیکس و سی ری گولت (۱۳۷۳)، (ترجمه و نگارش از گوئل کهن) تنوری‌های سازمان و مدیریت جلد یکم؛ کلیات و مفاهیم، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۸.
- [7] Morgan G.; Images of organization; Thousand Oaks: Sage Publications, 1997.
- [8] Singh-Sadhu; Agricultural problems in India; Bombay: Himalaya Publishing House, 1984.
- [9] Agrawal A.N., Lal K.; Agricultural Problems of India; New Delhi: Vikas Publishing House PVT Ltd, 1996.
- [۱۰] دوفومیه م؛ سیاستهای کشاورزی؛ ترجمه: گ. ایروانلو؛ تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۳.
- [۱۱] رفیعی ه، زیبایی م؛ «اندازه دولت، رشد اقتصادی و بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی»؛ فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ش. ۴۳ و ۴۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.
- [۱۲] شاکری ع، موسوی م.ح؛ بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خصوصی و دولتی در بخش کشاورزی؛ فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ش. ۴۳ و ۴۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.

- [13] Abdollahyan H.; Capital accumulation; Technology transfer and the peripheralization of sharecropping agriculture in Iran; in *Alternate Routes*, Vol. 12, 1995.
- [۱۴] رمضانیان م.; سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی ایران، دلایل و پیامدها؛ فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ش. ۳۶، زمستان ۱۳۸۰.
- [15] Shakoori A.; The state and rural development in post- revolutionary Iran; Hampshire: Palgrave, 2001.
- [۱۶] زمانی غ.; برآورد نیاز بخش عمومی به نیروی متخصص کشاورزی تا سال ۱۳۹۰؛ فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ش. ۳۵، پاییز ۱۳۸۰.
- [۱۷] دیائو م.; مشارکت در توسعه؛ ترجمه هـ غبرایی، د. طبایی؛ تهران: انتشارات روش، ۱۳۷۹.
- [18] FAO; Islamic republic of Iran; FAO agricultural series, Rome, No. 31, 1998.
- [۱۹] دوفومیه م.; جغرافیا و سیاستهای ارضی؛ ترجمه: ع. پورفیکویی؛ مشهد: نشر نیکا، ۱۳۷۲.
- [۲۰] مرکز آمار ایران؛ سرشماری نفوس و مسکن؛ تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵.
- [۲۱] خسروی خ.; جامعه‌شناسی روستایی ایران؛ تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران، ۱۳۵۵.
- [۲۲] غفاری غ.; دولت و مشارکت اجتماعی روستاییان در کشورهای در حال توسعه با تأکید بر ایران، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ش. ۳۵، پاییز ۱۳۸۰.
- [23] Sharma A. N.; Economic structure of Indian agriculture; Bombay: Himalaya Publishing House, 1984.
- [۲۴] مرکز آمار ایران؛ سالنامه آماری کشور؛ تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۹.
- [۲۵] مرکز آمار ایران؛ سالنامه آماری کشور؛ تهران: مرکز آمار ایران. رجوع به سایت، <http://amar.sci.org.ir> در تاریخ ۱۳۸۴/۶/۳.
- [۲۶] اشتین هاوژر ه.، لانگبهن ک.، پترز ا.; مدیریت کشاورزی؛ ترجمه: س. دهقانیان؛ مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۴.

Archive of SID